

Zoorkhaneh Sports Culture: A Reflection of History, Identity, and Iranian Pahlavan

Sajjad Pashaie¹ , Mohsen Shirmohammadzadeh² 

1. Department of Sports Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran
2. Departemant of Sport Sciences, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz,, Iran

Received: 2024/08/03

Received in Revised Format: 2024/08/26

Accepted: 2024/08/31

Published: 2024/09/22

Abstract

Zourkhaneh sports, as a symbol of the culture and history of Pahlavani in Iran, are recognized not only as sports venues but also as social and cultural institutions with a profound impact on the customs and traditions of Iranians. This article examines the role of Zourkhaneh sports in promoting chivalry, ethics, and Islamic principles, demonstrating how this culture has contributed to the preservation and strengthening of the social and cultural identity of Iranians. Utilizing a library research methodology, the study analyzes the history, structure, and educational philosophy of Zourkhaneh and explores its connection to the school of chivalry and honor. The findings indicate that Zourkhaneh, as a cultural heritage, has played a significant role in shaping and promoting moral and social values throughout Iranian history and can serve as a model for enhancing solidarity and cooperation in contemporary society. Additionally, this article provides practical strategies and suggestions for promoting and reviving Zourkhaneh culture in today's society, contributing to the development and reinforcement of social and ethical values in future generations.

Keywords: Zourkhaneh sports, Pahlavani culture, chivalry, ethics, history of Iran, cultural heritage.

Cite as: Pashaie., Sajjad, Shirmohammadzadeh Mohsen. (2025). Zoorkhaneh Sports Culture: A Reflection of History, Identity, and Iranian Pahlavan. *Iranian History of Culture*. 1(2): 1-24.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

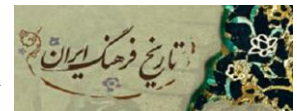
Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.19223

¹ - * Corresponding Author

sajjad.pashaie@yahoo.com





فرهنگ ورزش زورخانه‌ای: بازتابی از تاریخ، هویت و پهلوان ایران

سجاد پاشائی^۱؛ محسن شیرمحمدزاده^۲

۱- گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲- گروه علوم ورزشی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

ورزش زورخانه‌ای به عنوان نمادی از فرهنگ و تاریخ پهلوانی در ایران، نه تنها به عنوان یک مکان ورزشی، بلکه به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی با تأثیر عمیق بر آداب و رسوم ایرانیان شناخته می‌شود. این مقاله به بررسی نقش ورزش زورخانه‌ای در ترویج جوانمردی، اخلاق و اصول اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این فرهنگ به حفظ و تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی ایرانیان کمک کرده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای، تاریخچه، ساختار و فلسفه آموزشی زورخانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد و ارتباط آن با مکتب فتوت و جوانمردی بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ورزش زورخانه‌ای به عنوان یک میراث فرهنگی، در شکل‌گیری و ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در تاریخ ایران نقش بسزایی داشته و می‌تواند به عنوان الگویی برای تقویت همبستگی و همکاری در جامعه معاصر مورد استفاده قرار گیرد. این مقاله همچنین راهکارها و پیشنهادات عملی برای ترویج و احیای فرهنگ زورخانه‌ای در جامعه امروز ارائه می‌دهد و به تقویت ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در نسل‌های آینده کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ورزش زورخانه‌ای، فرهنگ پهلوانی، جوانمردی، اخلاق، تاریخ ایران، میراث فرهنگی.

نحوه ارجاع: پاشائی، سجاد، شیرمحمدزاده محسن. (۱۴۰۳). فرهنگ ورزش زورخانه‌ای: بازتابی از تاریخ، هویت و پهلوان ایران. تاریخ

فرهنگ ایران. ۱(۲)، ۳۰-۴۲.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19223

زورخانه، به عنوان یک مکان ورزشی سنتی ایرانی، نقش محوری در شکل‌گیری فرهنگ و ساختار اجتماعی ایران در طول تاریخ ایفا کرده است. این فضا نه تنها به تمرینات بدنی اختصاص دارد، بلکه به پرورش ارزش‌های اخلاقی نیز پرداخته و اصول پهلوانی را تجسم می‌بخشد؛ اصولی که بر جوانمردی، شجاعت و رفتار اخلاقی تأکید دارند. با این حال، علی‌رغم میراث غنی و اهمیت آن، فرهنگ زورخانه در عصر معاصر با چالش‌هایی مواجه است، از جمله کاهش مشارکت جوانان و کمبود آگاهی نسبت به اهمیت تاریخی آن.

جوهره ورزش‌های زورخانه‌ای در توانایی آن‌ها برای ایجاد حس جامعه و هویت در میان ورزشکاران نهفته است و ارزش‌هایی چون صداقت، احترام و همبستگی را ترویج می‌کند. این ارزش‌ها برای قرن‌ها جزء لاینفک جامعه ایرانی بوده و به عنوان پایه‌ای برای روابط بین فردی و انسجام اجتماعی عمل کرده‌اند. با این حال، دنیای مدرن، با پیشرفت‌های سریع تکنولوژیکی و تغییرات فرهنگی، منجر به فاصله‌گیری نسل‌های جوان‌تر از سنت‌هایی مانند زورخانه شده است.

این مقاله به بررسی مسئله مهم حفظ و احیای فرهنگ زورخانه در برابر چالش‌های معاصر می‌پردازد. با بررسی زمینه تاریخی، فلسفه آموزشی و اهمیت اجتماعی زورخانه، این مطالعه به دنبال برجسته کردن ارتباط آن با جامعه امروز است. علاوه بر این، پیشنهادات عملی برای ترویج ورزش‌های زورخانه‌ای به عنوان ابزاری برای تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در میان نسل‌های آینده ارائه خواهد شد و به تقویت هویت فرهنگی ایرانیان کمک خواهد کرد.

بیان مساله

زورخانه و ورزش‌های باستانی در ایران از دیرباز نقش مهمی در زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان ایفا کرده‌اند. انسان‌های اولیه برای بقا نیاز به توانمندی داشتند و به همین دلیل، پرورش جسم و تقویت قوای بدنی با الهام از الگوهای طبیعی، آن‌ها را به سمت ورزش سوق داد. بر اساس باورهای موجود، تعالیم اوستا بیماری را به اهریمن نسبت می‌داد و معتقد بودند که این بیماری از طریق اهریمن به بدن منتقل می‌شود. بنابراین، هر ایرانی وظیفه داشت که با اهریمن مبارزه کند. بر این اساس، ایرانیان برای تقویت جسم و روح و حفظ سلامتی، به فرزندان خود انواع ورزش‌ها را آموزش دادند (شاهی و همکاران، ۱۴۰۳). با گذشت زمان و با شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، زورخانه به عنوان یک نهاد اجتماعی و ورزشی در ایران شناخته شد. این نهاد نه تنها به ترویج آداب و رسوم فتوت و رفتارهای جوانمردانه پرداخت، بلکه در هدایت فکری نهضت‌های آزادی‌خواه نیز نقش بسزایی داشت (موتاب و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱). علاقه‌مندی ایرانیان به ویژگی‌هایی چون جوانمردی، پهلوانی، امانت‌داری، راستگویی و درستی باعث شده است که یکی از آثار برجسته باستانی ایران، یعنی زورخانه و ورزش‌های باستانی، همچنان پابرجا بماند (شاهی و همکاران، ۱۴۰۳). از زمان رسمی شدن تشیع، ورزش باستانی زورخانه جایگاه ویژه‌ای در تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر آموزه‌های شیعی پیدا کرد و به عنوان یک ورزش ملی و تاریخی ایران، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه کمک کرد (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۲).

ورزش زورخانه‌ای با بیش از ۳۰۰۰ سال قدمت، شامل مجموعه‌ای از حرکات ورزشی و رمزی است که در گود زورخانه و همراه با آواز، نواختن ساز و گویش مرشد از زمان‌های بسیار دور رواج داشته است. پرونده ثبت جهانی «آیین‌های پهلوانی و

مقاله پژوهشی

زورخانه‌ای» به همت فدراسیون ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای ایران و با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهیه شد. سپس در سال ۲۰۱۰ به عنوان میراث بشری و بخشی از تاریخ ایران، در فهرست میراث معنوی یونسکو از سوی ایران ثبت گردید (خضرائی گنجی‌فر، خضرائی گنجی‌فر، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

زورخانه به عنوان یک نهاد فرهنگی و ورزشی در ایران، نه تنها محل برگزاری ورزش زورخانه‌ای بلکه مکانی برای کشتی پهلوانی نیز به شمار می‌آید. یکی از برجسته‌ترین و محبوب‌ترین پهلوانان تاریخ ایران، پهلوان محمود خوارزمی، معروف به پوریای ولی و با لقب قتالی است که به عنوان بنیان‌گذار کشتی پهلوانی شناخته می‌شود (پاشائی و همکاران، ۲۰۲۴).

این ورزش، با ترکیب حرکات ورزشی و آداب و سجایای اخلاقی، به ویژه آموزه‌های شیعی، در طول بیش از پانصد سال به عنوان مهم‌ترین ورزش هماهنگ با آداب و رسوم شیعی در تاریخ ایران شناخته شده است. علاوه بر پیوند تاریخی این ورزش با مبارزات ضد ستم، با رواج مذهب تشیع در ایران، زورخانه به نمادی برای ترویج تشیع تبدیل گردید. این تحول به دلیل نمادها، نشانه‌ها، حرکات ورزشی و آیین‌های ویژه‌ای که در این مکان انجام می‌شود، صورت گرفته است. اهمیت این جایگاه و تأثیرگذاری آن به ویژه در دوره‌هایی که فرهنگ دینی ایران مورد تهدید قرار گرفت، بیشتر نمایان است (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

از نظر شکل و معماری، زورخانه‌ها تحت تأثیر مهرابه‌های مهرپرستی، آتشکده‌های زرتشتی، خانقاه‌های صوفیانه و نمادهای شیعی قرار دارند. همچنین، شخصیت‌های حاضر در زورخانه، از جمله پهلوانان و مرشدها، تحت تأثیر اساطیر آیینی، دینی و پهلوانی هستند. در زمینه انواع ورزش‌ها و فعالیت‌های پهلوانی، مانند کشتی، تأثیر اساطیر، حماسه‌ها، آیین‌های باستانی و باورهای دینی به وضوح قابل مشاهده است. این موضوع به خوبی همزیستی و توافق میان اسطوره‌ها و آیین‌های باستانی ایران را با دین اسلام، مذهب تشیع و جریان تصوف نشان می‌دهد (عسگری و عادل‌فر، ۱۴۰۱: ۲۷).

تاریخ و فرهنگ و مکتب زورخانه به همراه آداب و رسوم و ویژگی‌های بنیادین زندگی اجتماعی پهلوانان، عیاران، شاطران و آیین فتوت و جوانمردی به‌طور عمیق با یکدیگر در هم تنیده‌اند و از هم قابل تفکیک نیستند؛ به‌طوری‌که همه آن‌ها هم عامل و هم معلول پدیده زورخانه به شمار می‌روند (انصاف‌پور، ۱۳۸۶: ۳۵۲). یکی از ویژگی‌های شگفت‌انگیز زورخانه، آرمان‌گرایی اجتماعی آن است که بر اصول آیین فتوت و جوانمردی استوار است. به عنوان مثال، نیاکان ما بر این باور بودند که توانایی بدنی و زورمندی جسمی، بدون پرورش نیروهای معنوی و روانی، انسان را به موجودی درنده‌خو تبدیل می‌کند که در عین قدرت، تحت تأثیر قوانین طبیعت و تسلط دیگران قرار می‌گیرد (موتاب، ۱۳۷۷: ۴۴۲؛ منتظرالقائم و حقی، ۱۳۹۷: ۷۱).

افزون بر این، فرهنگ و پیشینه مکتب زورخانه را می‌توان به هر زمان و آیینی نسبت داد؛ چه آیین مهر، چه دین زرتشت و چه آیین عیاری و عرفان و تصوف، همه در یک افق به هم می‌رسند و آن آیین فتوت و جوانمردی است (عزیزی، ۲۰۲۰: ۱۰). این ورزش با ترکیب حرکات ورزشی با آداب و سجایای اخلاقی، آموزه‌های شیعی و پرورش قوای بدنی، در تاریخ ایران به عنوان مهم‌ترین ورزش از نظر هماهنگی با آموزه‌ها و آداب و رسوم شیعی شناخته می‌شود (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۳۹). جوانمردی کنش‌وری است که باید در جوامع بارورتر شود، زیرا انسان امروز در دورانی از تاریخ زندگی می‌کند که بیشتر از هر زمان دیگری به فتوت و جوانمردی نیازمند است (کوربن، ۱۳۸۳: ۲۳۴). بنابراین، درک و تحلیل ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی با رویکرد مکتبی و با توجه به فلسفه و جهان‌بینی خاص این ورزش و بافتار غنی و درهم تنیده اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی و دینی آن، بسیار ضروری است (امینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

مقاله پژوهشی



در زمینه ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای، مقالات و کتاب‌های زیادی نوشته شده که به جنبه‌های مختلف این موضوع می‌پردازند. یکی از این آثار، «بازخوانی سیر ساختاری: معنایی زورخانه‌ها از اسطوره تا تصوف» است که توسط عسگری و عادلر در سال ۱۴۰۱ منتشر شده است. همچنین، تاریخ ورزش باستانی ایران از پرتویضایی (۱۳۳۷) به تاریخ ورزش‌های باستانی در ایران می‌پردازد. دیگر منابع مهم شامل پژوهشی در ورزش‌های زورخانه‌ای از تهرانی (۱۳۴۴) و مقاله «زورخانه و ورزش باستانی» از صدیق (۱۳۴۳) هستند. برخی از این آثار به ارتباط این مراسم با آیین‌های قدیمی ایرانی نیز توجه کرده‌اند و نه تنها به تاریخ و معرفی اعمال پهلوانی پرداخته‌اند.

از مهم‌ترین این آثار می‌توان به ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن از بهار (۱۳۷۰) و آیین مهر و ورزش باستانی از همین نویسنده (۱۳۹۰) اشاره کرد. همچنین، ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای از آقایی مطلق (۱۳۹۰) و تاریخ و فرهنگ زورخانه از انصاف‌پور (۱۳۸۶) نیز از منابع معتبر در این زمینه هستند. همچنین کتاب ورزش باستانی از دیدگاه ارزش از تهرانی (۱۳۸۵) و مقاله «جلوه‌های تصوف، فتوت و تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران» از حیدری و دولت‌شاه (۱۳۹۱) نیز از دیگر آثار مهم به شمار می‌آیند. علاوه بر این، سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه‌ای در ایران از گودرزی (۱۳۸۳) به بررسی تغییرات این ورزش‌ها در طول تاریخ پرداخته است. به طور کلی، شواهد نشان می‌دهد که مکتب زورخانه‌ای نه تنها به عنوان یک ورزش، بلکه به عنوان یک جریان اجتماعی و فرهنگی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری و ترویج آداب و رسوم فرهنگی در ایران داشته است (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۲۲۷؛ موتاب و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱؛ حیاتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱).

از اینرو پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل عمیق‌تری از نقش زورخانه و ورزش‌های باستانی در ترویج فرهنگ و آموزه‌های شیعی، تفاوت‌های قابل توجهی با نوشته‌های گذشته دارد. این پژوهش به بررسی تاریخچه زورخانه و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانی پرداخته و پیوندهای عمیق‌تری میان زورخانه، مذهب تشیع و فرهنگ ایرانی را شفاف‌سازی می‌کند. همچنین، تأکید بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی زورخانه، به ویژه در دوره‌های بحرانی تاریخ ایران، از ویژگی‌های بارز این تحقیق است که در نوشته‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. علاوه بر این، تحلیل نمادها و نشانه‌های خاص زورخانه و ارتباط آن‌ها با مذهب تشیع و فرهنگ ایرانی به درک عمیق‌تری از معنای فرهنگی و اجتماعی این نهاد کمک می‌کند. استفاده از منابع جدید و به‌روز در زمینه زورخانه و ورزش‌های باستانی، به روزرسانی ادبیات موجود و ارائه دیدگاه‌های نوین را ممکن می‌سازد. همچنین، این پژوهش با رویکردهای تطبیقی، تأثیرات زورخانه بر دیگر نهادهای فرهنگی و ورزشی در ایران و سایر کشورها را بررسی می‌کند. در نهایت، پژوهش حاضر با ارائه تحلیل‌های عمیق‌تر و بررسی ابعاد جدید، به غنای حوزه معرفتی مربوط به زورخانه و ورزش‌های باستانی افزوده و تفاوت‌های قابل توجهی با نوشته‌های گذشته دارد. این نوآوری‌ها می‌توانند به پژوهشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ ایران کمک کنند تا درک بهتری از این نهاد فرهنگی مهم به دست آورند.

پهلوان و فرهنگ پهلوانی در ایران باستان

«پهلوان به فردی اطلاق می‌شود که شجاعت، دلیری و قدرت را با ویژگی‌های اخلاقی نیکو ترکیب می‌کند»؛ افرادی که آثار حضورشان از دوران باستان در ایران قابل مشاهده است و در طول زمان پرورش یافته‌اند. آرمان‌های این گروه‌ها به طور کلی مشابه است، اما تفاوت‌های آنها در ساختار و قوانین اجرایی اهدافشان باعث شده تا هر یک اصول و قواعد خاص خود را برای پیروانشان تعریف کنند. در واقع، می‌توان همه آنها را به عنوان یک گروه با عناوین مختلف در نظر گرفت که هدف

مشترکشان آنها را به هم متصل می‌کند؛ افرادی که در کنار تقویت جسم، ایمان خود را نیز تقویت می‌کنند. به این ترتیب، افرادی با ایمان، فداکار، جوانمرد و با اخلاق تربیت می‌شوند و با توجه به دستورات الهی و الگو قرار دادن پیشوایان دین و قهرمانان ملی، فرهنگ پهلوانی را به فرهنگی متعالی و مذهبی تبدیل می‌کنند (پیرمرادیان و حقی، ۱۴۰۰: ۱۳۵۷).

فرهنگ پهلوانی یکی از ارکان اساسی تمدن ایرانی به شمار می‌آید. ایرانیان به دلیل اهمیت حفاظت از زندگی خانوادگی، قومی و ملی در برابر تهدیدات بیگانگان، به ورزش و آمادگی دفاعی توجه ویژه‌ای داشتند. پهلوانان ایرانی همواره از خداوند درخواست نیرو و سلامتی می‌کردند تا بتوانند بر دشمنان غلبه کنند. آنها فرزندان خود را از سن پنج تا بیست سالگی به ورزش‌های تیراندازی و اسبسواری آموزش می‌دادند و در کنار پرورش جوانان در زمینه دلاوری و آزادی، به تهذیب اخلاقی و تربیت فضایل نیک نیز توجه می‌کردند. به همین دلیل، اصولی چون راستگویی نیز در کنار آموزش‌های جسمی به فرزندان منتقل می‌شد.

ورزش‌های جسمی مانند راهپیمایی، اسبسواری، تیراندازی، شنا، پرتاب نیزه، شمشیرزنی، چوگان و کشتی، به همراه تربیت روحی جوانان شامل تحمل سختی‌ها، کنترل خشم در برابر دشمنان ضعیف، دوری از کینه‌توزی و انتقام، و پایبندی به عدالت و عفو، از برنامه‌های اصلی ایرانیان برای تربیت جسمی و روحی جوانان بود. همچنین، حفاظت از سرزمین و تعقیب دزدان که نیازمند چابکی و قدرت بدنی بود، از وظایف پهلوانان به شمار می‌رفت و به همین دلیل، نیرومندی جسمی جزو ملزومات زندگی تلقی می‌شد (پیرمرادیان و حقی، ۱۴۰۰: ۱۳۵۷).

تبیین رابطه نمادها و نشانه‌های معماری زورخانه با آداب و رفتار پهلوانی

زورخانه یکی از بناهای فرهنگی و ورزشی اصیل در معماری ایران است که نقش مهمی در تربیت و پرورش پهلوانان داشته است. این پهلوانان با اخلاق و رفتار خود به ارتقاء سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه کمک کرده‌اند. در ساختار معماری زورخانه‌ها، نمادها و نشانه‌هایی وجود دارد که به کیفیت فضایی این مکان‌ها افزوده و آن را غنی‌تر می‌کند. با این حال، معماری این بنا به دلایل مختلفی در تاریخ معماری ایران مورد غفلت واقع شده است. پس از انقلاب و جنگ تحمیلی، توجه به ورزش زورخانه‌ای و ساختار زورخانه‌ها دوباره افزایش یافته است. نتایج نشان می‌دهد که برخی از صفات پهلوانی از نشانه‌ها و نمادهای کالبدی زورخانه نشأت می‌گیرد. به عنوان مثال، ورودی زورخانه‌ها صفاتی مانند تواضع را در افراد تقویت می‌کند. بخش ورودی زورخانه به افراد یادآوری می‌کند که باید به بزرگترها احترام بگذارند و به قشر کم‌درآمد توجه کنند. گود زورخانه خصایل اخلاقی نظیر تواضع، تقوا، دین‌داری، ساده‌زیستی و وحدت را در افراد ایجاد می‌کند و غرفه زورخانه به مهمان‌نوازی و توجه به سنت‌ها در میان ورزشکاران کمک می‌کند (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۱).



شکل ۱. تبلور فرهنگ ایرانی و اسلامی در گود زورخانه ها

بنابراین ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای نماد فرهنگ ایرانی و اسلامی است که با ویژگی‌های مردانگی و صفات اخلاقی نیکو همراه می‌باشد. این ورزش با کمک به هموعان و مستضعفان ارتباطی عمیق برقرار می‌کند. از این رو، ترویج این ورزش ملی و مذهبی می‌تواند به کاهش بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی کمک کند.

زورخانه‌ها: نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی

ورزش زورخانه‌ای پس از ورود اسلام به ایران توانست در مدت زمان کوتاهی فرهنگ ایرانی را با آموزه‌های اسلامی ترکیب کرده و به بقای خود ادامه دهد. تمامی اجزا و بخش‌های این ورزش با نام و یاد خدا و ائمه (ع) همراه است. به عنوان مثال، اشعار حماسی و مذهبی که در حین اجرای آن خوانده می‌شود، نشان‌دهنده این پیوند عمیق است. همچنین، در آخرین مرحله ورزش زورخانه‌ای، دعا خواندن وجود دارد که در این زمان هیچ‌کس نمی‌تواند وارد یا خارج شود و اگر به هر دلیلی این بخش اجرا نشود، ورزش معنای خود را از دست می‌دهد.

یکی از اجزای مهم این ورزش، ذکرهایی است که در حین اجرا بیان می‌شود و حذف این ذکرها می‌تواند ساختار ورزش را مختل کند. امروزه، ورزش زورخانه‌ای به عنوان یک ورزش ملی، مذهبی و باستانی در جامعه شناخته می‌شود. زورخانه‌ها به نوعی به عنوان «نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی» محسوب می‌شوند، زیرا در حین ورزش در این مکان‌ها، بیشترین ذکرهای مذهبی بیان می‌شود.

فلسفه آموزشی زورخانه

زورخانه به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های عمومی در شهر، نه تنها فضایی برای فعالیت‌های ورزشی است، بلکه نمادی از میراث معنوی فرهنگ و معماری ایرانی به شمار می‌آید. این مکان همچنین شامل آموزه‌های تربیتی است که به رفتارهای نیک در روابط فردی و اجتماعی تأکید دارد (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۲۲۷). آموزه‌های اخلاقی زورخانه در تمام جنبه‌های آن، از

ساختار فضا و فعالیت‌های ورزشی گرفته تا شعر و مفاهیم حاکم بر آن، مشهود است. این آموزه‌ها تأثیر عمیقی بر ورزشکاران دارند و زورخانه را به یک نهاد آموزشی تبدیل می‌کنند که ارزش‌های اخلاقی، دینی و فلسفی بالایی را منتقل می‌کند. برخی از اصول کلیدی آموزشی زورخانه عبارتند از:

۱- **تواضع و فروتنی:** اولین تجلی این آموزه اخلاقی در ورودی زورخانه دیده می‌شود. ورودی به گونه‌ای طراحی شده که کم ارتفاع و باریک است و افراد را وادار می‌کند با حالت خمیده وارد شوند که نماد تواضع و احترام است. این عمل یادآور تواضع امام علی (ع) بوده و اولین درس این نظام آموزشی را به تصویر می‌کشد که بر ویژگی‌های مورد احترام اهل بیت (خانواده پیامبر اسلام) تأکید دارد. این بدان معناست که هنگام ورود باید از خودبزرگ‌بینی دوری کرد و به فضای مقدس مرتبط با خدا و امامان احترام گذاشت. ورودی با نمادهای احترام به خدا، پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) مزین شده که حس تواضع و احترام را برمی‌انگیزد. همچنین، گود زورخانه که پایین‌تر از سایر مناطق قرار دارد، به ورزشکاران کمک می‌کند تا در حین نمایش قدرت خود، احساس تکبر نکنند (پاشائی و همکاران، ۲۰۲۴).

۲- **آموزش فضیلت و اخلاق نیکو:** رعایت اصول اخلاقی و توجه به جایگاه انسان براساس آموزه‌های اسلامی تأثیر عمیقی بر سبک زندگی و معماری بناهای سنتی ایران نهاده است. بنابراین رابطه معنادار بین معماری و اخلاق همواره تأمین‌کننده نیازهای معنوی انسان است، تا از این طریق در فضای معماری به تعادل و آرامش برسد. بر همین اساس آموزه‌های اسلامی با محوریت اخلاق از عوامل بسیار مهم در روند شکل‌گیری معماری زورخانه‌ای است که نقش کلیدی در هویت بخشی به کالبد فضایی زورخانه داشته است (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۹). زورخانه دارای احترامی خاص و مقدس است، مشابه مساجد و اماکن زیارتی شیعه. ورزشکاران باید به گود وارد شوند و استاد (مرشد) در حالت طهارت (وضو) بر روی سکو قرار گیرد. این احترام ناشی از سنت‌هایی است که جو زورخانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اعضای آن را ملزم به رفتار مطابق با آموزه‌های اسلام و اهل بیت (خانواده پیامبر) می‌کند. در طول تمرینات، ورزشکاران باید به این فضای مقدس احترام بگذارند و از رفتارهای غیر اخلاقی پرهیز کنند. یادآوری خدا و اولیای او روح ورزشکاران را پاک کرده و آن‌ها را از آلودگی‌ها و تأثیرات منفی محافظت می‌کند. به همین دلیل، استفاده از زبان زشت، رفتارهای غیر اخلاقی، مستی، دروغگویی و قسم خوردن در زورخانه ممنوع است (بیضایی، ۱۳۸۲: ۴۷۶).

۳- **آموزش سبک زندگی و رفتار اهل بیت (ع):** استاد زورخانه به عنوان معلم عمل کرده و درس‌های امامان و اصول اسلام را به اعضای زورخانه منتقل می‌کند. در طول فعالیت‌های ورزشی، استاد شعرهایی در ستایش امیرالمؤمنین (ع) و امامان می‌خواند و پیام‌های دینی و آموزشی را به پیروان زورخانه منتقل می‌کند. تمرینات ورزشی یادآور شجاعت امام علی (ع) در نبردهای اسلام است و ورزشکاران را به پیوند روح خود با قدرت او ترغیب می‌کند. از طریق این فعالیت‌ها، ورزشکاران نه تنها توانایی‌های جسمی خود را تقویت می‌کنند، بلکه ویژگی‌های اخلاقی نیکو مانند کمک به مظلومان و دفاع از عدالت را از امام علی (ع) می‌آموزند. بنابراین، زورخانه نقش مهمی در آموزش فرهنگی و معنوی اعضای خود ایفا می‌کند و آن‌ها را به شناخت و رعایت استانداردهای اخلاقی و دینی هدایت می‌کند. همچنین، عمل “گلریزان” که شامل جمع‌آوری کمک‌های مالی برای نیازمندان است، یک سنت ارزشمند در فرهنگ زورخانه محسوب می‌شود که آموزه‌های رهبران دینی را منعکس می‌کند. با این حال، گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که در دوران قاجار و پهلوی، این سنت گاهی برای منافع شخصی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است (پاشائی و همکاران، ۲۰۲۴). به عنوان مثال، برخی از پهلوانان و مرشدها در این دوره، با بهره‌برداری از

مقاله پژوهشی



محبوبیت و نفوذ اجتماعی خود، به ایجاد شبکه‌های قدرت محلی پرداخته و از این طریق به منافع اقتصادی و سیاسی دست یافتند. در برخی موارد، این افراد به جای ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، به دنبال کسب درآمد و اعتبار شخصی بودند، که این امر موجب تضعیف اصول بنیادی زورخانه و انحراف از اهداف اصلی آن گردید. همچنین، در دوره پهلوی، با تغییرات اجتماعی و سیاسی، برخی از زورخانه‌ها به مکان‌هایی برای تجمعات سیاسی و اجتماعی تبدیل شدند که در آن‌ها به جای تمرکز بر ورزش و اخلاق، به فعالیت‌های سیاسی پرداخته می‌شد. این تغییرات نشان‌دهنده انحراف از سنت اصلی زورخانه و استفاده ابزاری از آن برای مقاصد غیرورزشی است.

۴- شجاعت و نجابت: یکی از اصول آموزشی اساسی در زورخانه، درس شجاعت و نجابت است. پیروان اجتماعی این نهاد، از جمله قهرمانان و ورزشکاران، همواره این ارزش‌ها را به نمایش گذاشته‌اند. دوستی، وفاداری، شجاعت، تواضع و بخشش از جمله مفاهیم کلیدی هستند که در سنت زورخانه بسیار ارزشمندند. این ایده‌ها به ویژه در میان “عیاران” (مردان نیکو) و قهرمانان در طول تاریخ، به ویژه در دوره‌های حکمرانی ستمگرانه، شکوفا شده‌اند. آن‌ها شجاعت را به عنوان وظیفه‌ای نسبت به مظلومان و حاشیه‌نشینان می‌شناختند. افرادی که این فضایل را تجسم می‌کنند، به عنوان قهرمانان در عرصه ورزش و فرهنگ قهرمانی شناخته می‌شوند و از شخصیت‌هایی مانند امام علی (ع) الهام می‌گیرند. آن‌ها به اصول اخلاقی مانند، شجاعت، سخاوت و حمایت از مظلومان پایبند هستند و در برابر ستمگران و متجاوزان می‌ایستند. بنابراین، زورخانه به عنوان فضایی برای آموزش و تقویت این ارزش‌ها عمل می‌کند، جایی که افراد گرد هم می‌آیند تا این ویژگی‌ها را پرورش دهند و خود را به یاد آرند که باید به آرمان‌های والای انسانی و الهی خود پایبند باشند. داشتن قدرت جسمی و استقامت برای قهرمانان ضروری است تا بتوانند با قدرتمندان زمان خود مقابله کنند و به مظلومان کمک کنند که این امر جنبه‌ای حیاتی از آموزش در زورخانه است (موتاب و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱).

آداب اجتماعی

مهم‌ترین موضوعات در مطالعه فرهنگی، بررسی آداب اجتماعی است و از این منظر، توجه به معماری نیز اهمیت دارد. به این ترتیب که نحوه تعامل و ملاقات‌ها بر ساخت و شکل بناها تأثیر می‌گذارد (راپاپورت، ۱۳۹۵). آداب اجتماعی به کنش‌های متقابل در زندگی روزمره مربوط می‌شود و تحت الگوهای تکراری زمانی قرار می‌گیرد و به همین دلیل بر فضای معماری تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، آداب و آیین‌ها از شیوه‌های برقراری ارتباط و تعامل میان اعضای قوم و گروه‌ها ناشی می‌شوند. از سوی دیگر، آداب و رسوم به شکل‌گیری هویت کمک می‌کنند. افراد جامعه در کنش‌های جمعی، بر اساس آموزه‌های فرهنگی و آداب و مناسک خود عمل می‌کنند؛ بنابراین، آداب و رسوم مبتنی بر باورهای اجتماعی هستند و نشان‌دهنده توافق جمعی در هنجارها می‌باشند که به نمادهای فرهنگی تبدیل می‌شوند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۱۰۹۶). امیل دورکیم معتقد است که این آداب و رسوم به نوعی پیوند دهنده گروه‌ها و اقوام هستند (محمدي اصل، ۱۳۹۸). آیین‌ها نمایانگر مناسبات و پیوندهای نامرئی میان انسان‌ها هستند و به حفظ، تقویت، بازسازی و تجدید پیوندهای اعضای جامعه کمک می‌کنند. آیین‌ها و آداب که تجدید می‌شوند، فرهنگ قومی را زنده نگه می‌دارند و موجب همبستگی، انسجام و تقویت هویت قومی می‌شوند (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۹۲: ۵۸۴). آیین‌ها تحت تأثیر واقعیت‌های اجتماعی قرار دارند و به عبارتی، باید آن‌ها را به عنوان مکالمه‌هایی در

¹ Rapoport

نظر گرفت که وضعیت‌های اجتماعی و چگونگی مناسبات گروهی را تعیین می‌کنند (دوینیو، ۱۳۹۰: ۱۸۴). رابطه درونی میان «آداب» و «تعامل اجتماعی» در گروه‌ها و مکان‌های فرهنگی آیینی که تعاملات در آن‌ها ماهیت آیینی پیدا می‌کند، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین، بررسی نظریات تعامل اجتماعی و مؤلفه‌های آن در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

رشد معنویت در زورخانه‌ها

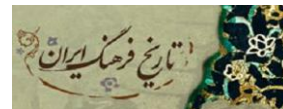
رشد معنویت در زورخانه‌ها یکی از جنبه‌های مهم و تأثیرگذار ورزش‌های زورخانه‌ای به شمار می‌آید. جایگاه این ورزش‌ها در مقایسه با دوره‌های گذشته تغییرات زیادی را تجربه کرده است. هرچند امروزه ورزش باستانی زورخانه‌ای رونق کمتری دارد، اما هنوز برای افرادی که در گودهای زورخانه بزرگ شده‌اند، این ورزش یادآور خاطرات شیرین و ارزشمند است. برای ترویج بهتر این ورزش و حفظ معنویت آن، لازم است که تلاش‌های بیشتری صورت گیرد. ایجاد تبلیغات مؤثر برای جذب جوانان به زورخانه‌ها و فراهم کردن شرایطی که آن‌ها بتوانند تحت نظر استادان اخلاق (مرشدها و پیشکسوت‌ها) آموزش ببینند، می‌تواند جاذبه‌های بیشتری را به این مکان‌ها اضافه کند. در زورخانه، ذکر صلوات و ذکر مولا علی (ع) به عنوان بخشی از فرهنگ این ورزش مطرح است. افرادی که به زورخانه می‌آیند، به‌طور طبیعی و بدون نیاز به تبلیغات مستقیم و اجبار، به سمت معنویت و آموزه‌های اسلامی گرایش پیدا می‌کنند. این فرآیند نه تنها به تقویت روحیه پهلوانی کمک می‌کند، بلکه به رشد و توسعه فرهنگ معنوی در جامعه نیز می‌انجامد. بنابراین، با توجه به نیازهای روز و ترویج این ورزش باستانی، می‌توان به احیای فرهنگ و معنویت در زورخانه‌ها کمک کرد و نسل‌های جدید را به این ارزش‌ها نزدیک‌تر ساخت.

نتیجه

زورخانه به عنوان یک نهاد فرهنگی و ورزشی، نه تنها به حفظ و ترویج آداب و رسوم ایرانیان کمک کرده، بلکه به عنوان نمادی از فرهنگ و تاریخ پهلوانی در ایران شناخته می‌شود. این مکان با بیش از ۳۰۰۰ سال قدمت، به عنوان یک بستر آموزشی، اخلاقی و اجتماعی عمل کرده و ارزش‌هایی چون جوانمردی، امانت‌داری، راستگویی و شجاعت را در بین نسل‌های مختلف ترویج کرده است. ورزش زورخانه‌ای، با ترکیب حرکات ورزشی و آموزه‌های اخلاقی، به ویژه آموزه‌های شیعی، توانسته است به عنوان یک الگوی موفق در تربیت جسمی و روحی جوانان عمل کند.

زورخانه‌ها به عنوان مکان‌هایی برای تجمع و آموزش، نه تنها به پرورش قهرمانان ورزشی کمک کرده‌اند، بلکه به تقویت روحیه همبستگی و همکاری در جامعه نیز پرداخته‌اند. در این مکان‌ها، ورزشکاران با آداب و سنن خاصی آشنا می‌شوند که نه تنها به تقویت قدرت بدنی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را نیز در آن‌ها نهادینه می‌سازد. به همین دلیل، زورخانه‌ها می‌توانند به عنوان «مسجد دوم» در نظر گرفته شوند که در آن‌ها آموزه‌های دینی و فرهنگی به صورت همزمان ترویج می‌شود.

با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در عصر حاضر و کاهش علاقه جوانان به ورزش‌های باستانی، ضروری است که اقداماتی برای ترویج و احیای این رشته فرهنگی انجام شود. در این راستا، پیشنهاداتی برای ترویج ورزش زورخانه‌ای و فرهنگ پهلوانی به شرح زیر ارائه می‌شود:



مقاله پژوهشی

۱. **برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی:** ایجاد دوره‌های آموزشی برای جوانان و نوجوانان در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به آشنایی آن‌ها با ورزش زورخانه‌ای و فلسفه آن کمک کند. این دوره‌ها باید شامل آموزش‌های عملی و تئوری درباره تاریخ، آداب و رسوم و حرکات ورزشی زورخانه باشد.
 ۲. **ایجاد کمپین‌های تبلیغاتی:** استفاده از رسانه‌های اجتماعی و دیگر بسترهای ارتباطی برای ترویج فرهنگ زورخانه و ورزش‌های باستانی می‌تواند به جذب جوانان کمک کند. این کمپین‌ها باید به معرفی قهرمانان و پهلوانان معاصر و تاریخ ایران بپردازند و نشان دهند که چگونه این ورزش می‌تواند به تقویت روحیه جوانمردی و همکاری در جامعه کمک کند.
 ۳. **توسعه برنامه‌های فرهنگی و هنری:** برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی مرتبط با زورخانه و ورزش‌های باستانی می‌تواند به جذب توجه عمومی و ایجاد علاقه در بین جوانان کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل نمایش‌های زنده، مسابقات و کارگاه‌های هنری باشند که به معرفی و ترویج این فرهنگ کمک می‌کنند.
 ۴. **همکاری با نهادهای دولتی و خصوصی:** ایجاد همکاری‌های مؤثر با نهادهای دولتی، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی می‌تواند به تأمین منابع مالی و زیرساخت‌های لازم برای ترویج ورزش زورخانه‌ای کمک کند. این همکاری‌ها می‌توانند شامل تأسیس زورخانه‌های جدید، بازسازی زورخانه‌های قدیمی و ایجاد فضاهای ورزشی مناسب برای تمرین باشند.
 ۵. **توجه به بعد معنوی ورزش زورخانه:** ترویج ابعاد معنوی و اخلاقی ورزش زورخانه می‌تواند به ایجاد انگیزه در جوانان کمک کند. برگزاری جلسات معنوی و روحانی در کنار تمرینات ورزشی می‌تواند به تقویت روحیه جوانمردی و اخلاق در بین ورزشکاران کمک کند.
- با توجه به این نکات، می‌توان امیدوار بود که ورزش زورخانه‌ای به عنوان یک میراث فرهنگی غنی و نماد تاریخ پهلوانی ایران، همچنان در جامعه معاصر زنده و پویا باقی بماند و نسل‌های آینده را به سمت ارزش‌های انسانی و اخلاقی هدایت کند. ترویج این ورزش نه تنها به حفظ فرهنگ ایرانی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت هویت ملی و اجتماعی نیز منجر شود.

منابع

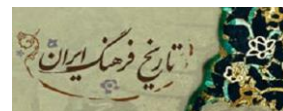
کتاب‌ها

۱. آقای مطلق، پدram. (۱۳۹۰). ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای؛ تهران: منشور سمیر.
۲. انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۸۶). تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو. ناشر: اختران، دات، کتاب آمه، تهران، چاپ یکم، ۳۵۲.
۳. بهار، مهرداد. (۱۳۷۰). ورزش - باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن؛ تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
۴. بیضایی، حسین (۱۳۸۲). تاریخ ورزش باستانی ایران زورخانه، انتشارات زوار، ۴۷۶.
۵. پرتو بیضایی، حسین. (۱۳۳۷). تاریخ ورزش باستانی ایران؛ تهران: چاپخانه حیدری.
۶. تهرانچی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). ورزش باستانی از دیدگاه ارزش؛ تهران: امیرکبیر.
۷. خضرائی‌گنجی‌فر، زینب، خضرائی‌گنجی‌فر، حسین. (۱۳۹۹). کتاب ورزش زورخانه‌ای به روایت تصویر، انتشارات مبانی، چاپ اول، ۱۴۲.
۸. دووینیو، ژان (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی هنر. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: مرکز، نوبت چاپ ۵، ۱۸۴.

۹. راپاپورت، آموس (۱۳۹۵). انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان. مشهد: کتابکده کسری.
۱۰. عسکری خانقاه، اصغر و کمالی، محمد شریف (۱۳۹۲). انسان‌شناسی عمومی. تهران: سمت ۵۸۴.
۱۱. کوربن، هانری (۱۳۸۳). آیین جوانمردی. ترجمه احسان نراقی، تهران: انتشارات سخن، چاپ یکم، ۲۳۴.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی. با همکاری کارن برد سال. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی، نوبت چاپ ششم، ۱۰۹۶.
۱۳. محمدی اصل، عباس (۱۳۹۸). امیل دورکیم و اصول روش جامعه‌شناسی. تهران: دیرمان.
۱۴. موتاب، احمد (۱۳۷۷). آیین فتوت و جوانمردی و پهلوانان آذربایجان. تبریز: موسسه انتشارات روان پویا، ۴۴۲.

مقاله‌ها

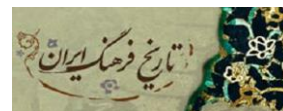
۱۵. امینی‌زاده، سینا (۱۳۹۲). کاوش کیفی ورزش باستانی زورخانه (مطالعه موردی ورزشکاران شهر کرمان). فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، ۹، ۱۰۹-۱۳۳.
۱۶. بهار، مهرداد. (۱۳۹۰). «آیین مهر و ورزش باستانی»؛ نشریه حافظ، شماره ۸۸، صص ۱۲-۱۶.
۱۷. پیرمردیان، مصطفی، حقی، پروین. (۱۴۰۰). پهلوانان ایران از دیروز تا امروز. نشریه مدیریت ورزشی، ۱۳(۴)، ۱۳۵۷-۱۳۷۹. <https://doi.org/10.22059/ism.2020.305904.2518>
۱۸. جعفری، علی‌اکبر، قاسمی، نعیمه. (۱۳۹۲). ورزش باستانی زورخانه و جایگاه آن در ترویج تشیع. فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، ۱۱(۴۲)، ۱۳۹-۱۶۸.
۱۹. جعفری، علی‌اکبر، و قاسمی، نعیمه. (۱۳۹۲). ورزش باستانی زورخانه و جایگاه آن در ترویج تشیع. شیعه‌شناسی، ۱۱(۴۲)، ۱۳۹-۱۶۸.
۲۰. حیاتی، حامد، چهارلنگ، علی، عامری، محمد امین. (۱۳۹۹). اخلاق و معماری زورخانه‌ای. اخلاق در علوم و فناوری؛ ۱۵: ۱-۵.
۲۱. حیدری، علی، دولت‌شاه، ناصر (۱۳۹۱). «جلوه‌های تصوف، فتوت و تشیع در ورزش - باستانی و زورخانه-ای ایران»؛ دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزش و رفتار حرکتی، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۷-۷۲.
۲۲. شاهی، شایان، ایرانزادپاریزی، علی و نصیری، امیررضا. (۱۴۰۳). سیر تاریخی زورخانه ای، سومین همایش بین‌المللی علوم ورزشی، تربیت بدنی و مدیریت راهبردی در ورزش، همدان، <https://civilica.com/doc/2046922>.
۲۳. صدیق، مصطفی. (۱۳۴۳). «زورخانه و ورزش باستانی»؛ فرهنگ و زندگی، دوره سوم، شماره ۲۶، صص ۶-۱۵.
۲۴. عسگری، زهرا، عادلر، باقرعلی. (۱۴۰۱). بازخوانی سیر ساختاری - معنایی زورخانه‌ها از اسطوره تا تصوف. پژوهش‌های میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، ۱(۱)، ۲۷-۴۳. <https://doi.org/10.30479/irpli.2021.15795.1035>
۲۵. گودرزی، محمود. (۱۳۸۳). «سیر تطوّر ورزش باستانی و زورخانه-ای در ایران»؛ نشریه فرهنگ، شماره ۲۲، صص ۱۴۹-۱۷۰.
۲۶. مسعودی، زهره، مومنی، کورش، بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). تبیین رابطه نمادها و نشانه‌های معماری زورخانه با آداب و رفتار پهلوانی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲(۲۸)، ۹۱-۱۰۲. <https://doi.org/10.22034/aaud.2019.97362>
۲۷. منتظرالقائم، اصغر؛ و حقی، پروین (۱۳۹۷). مفاهیم ملی و مذهبی سازنده مکتب تربیتی زورخانه. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ۵۲: ۷۱-۹۷.
۲۸. موتاب، احمد، جوانی، وجیهه، و داد هیر، ابوعلی. (۱۴۰۰). از مکتب تا فرهنگ: تبیین فرایند اجتماعی-فرهنگی عیاری و شکل‌گیری ورزش زورخانه‌ای در ایران. جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۳(۴)، ۶۰-۴۱. doi: <https://doi.org/10.34785/J016.2022.003>
۲۹. ورمقانی، حسنا. (۱۴۰۰). بازپژوهی در انگیزه و شیوه اجرای آداب اجتماعی زورخانه با تفحص در تناسب کارکرد و ساختار کالبدی فضایی. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۱(۲)، ۲۲۷-۲۵۲. <https://doi.org/10.22059/ijar.2022.342408.459748>



30. Azizi, B., et al. (2020). The Study of Chivalry Philosophy, Islamic Generosity and Moral Teachings in Athletic and Gymnasium Sports in Zurkhaneh. *Sport, Ethics and Philosophy*, 1-10.
31. Pashaie, S., Jabari, B., Gul, M. (2024). Zoorkhaneh and Legacy of Pahlavani: A symbol of civilization, history and rich culture of Iran, The 2nd International Congress of Exercise and Sports Sciences (UESBK-2024), Ondokuz Mayıs University, Samsun, Türkiye.
<https://www.uesbk.org/>
32. Khezri, S. A. R. and Soleymani, M. (2024). The Formation of Iranian Maritime Culture in the Sasanian-Islamic Transition: A Study of 'Active Adaptation' in Nutrition and Medicine. *Iranian History of Culture*, 1(1), 217-234. doi: 10.22034/ihc.2025.68736.1083 [In Persian].
33. Karimi, J. and Golmohammadi, H. (2024). Localization of Opening and Closing Ceremonies in Sports Events: From Historical Traditions to Modern Perspectives in Iran. *Iranian History of Culture*, 1(1), 199-216. doi: 10.22034/ihc.2025.65470.1031. [In Persian].

آوانگاری منابع

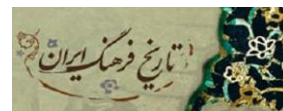
1. Āqā'ī Motlaq, Pedrām. (1390). *Varzesh-e Pahlevānī va Zurkhāneh'ī*; Tehrān: Manṣhūr-e Samīr.
2. Ensāf-Pūr, Gholām-Rezā (1386). *Tārīkh va Farhang-e Zurkhāneh va Gorūhhā-ye Ejtemā'ī-ye Zurkhāneh-Rav*. Nāshar: Akhtarān, Dāt, Ketāb Āmeh, Tehrān, Chāp-e Yekom, 352.
3. Bahār, Mehrdād. (1370). *Varzesh-e Bāstānī-ye Irān va Rishehā-ye Tārīkhī-ye Ān*; Tehrān: Vezārat-e Farhang va Honar.
4. Beyzā'ī, Hossein (1382). *Tārīkh-e Varzesh-e Bāstānī-ye Irān Zurkhāneh*, Enteshārāt-e Zavār, 476.
5. Partow Beyzā'ī, Hossein. (1337). *Tārīkh-e Varzesh-e Bāstānī-ye Irān*; Tehrān: Chāpkhāneh-ye Heydarī.
6. Tehrānchī, Mohammad-Mehdī. (1385). *Varzesh-e Bāstānī az Didegāh-e Arzesh*; Tehrān: Amīrkebīr.
7. Khezrā'ī-Ganjīfar, Zeynab, Khezrā'ī-Ganjīfar, Hossein. (1399). *Ketāb-e Varzesh-e Zurkhāneh'ī be Revāyat-e Tasvīr*, Enteshārāt-e Mabānī, Chāp-e Avval, 142.
8. Duvīnō, Zhān (1390). *Jāme'eh-shenāsī-ye Honar*. Tarjome-ye Mehdi Sahābī. Tehrān: Markaz, Nobat-e Chāp 5, 184.
9. Rāpapor, Āmos (1395). *Ensān-shenāsī-ye Maskan*. Tarjome-ye Khosrow Afzalīān. Mashhad: Ketābkhāde-ye Kasrī.
10. 'Askari Khāneqāh, Asghar va Kamālī, Mohammad Sharīf (1392). *Ensān-shenāsī-ye Omūmī*. Tehrān: SAMT, 584.
11. Korbān, Hānri (1383). *Āyīn-e Javānmardī*. Tarjome-ye Eḥsān Narāqī, Tehrān: Enteshārāt-e Sokhan, Chāp-e Yekom, 234.
12. Gīdanz, Āntūnī (1391). *Jāme'eh-shenāsī. Bā Hamkārī-ye Kāren Bord Sāl*. Tarjome-ye Hasan Chāvoshīān. Tehrān: Nī, Nobat-e Chāp-e Sheshom, 1096.
13. Mohammadi Asl, 'Abbās (1398). *Emīl Durkheim va Oṣūl-e Ravesh-e Jāme'eh-shenāsī*. Tehrān: Dīrmān.



14. Mūtāb, Aḥmad (1377). Āyīn-e Fettūt va Javānmardī va Pahlevānān-e Āzarbāyjān. Tabriz: Mo'assese-ye Enteshārāt-e Rāvān Pūyā, 442.

Maqāle-hā (Articles)

15. Aminizādeh, Sīnā (1392). Kāvesh-e Keyfī-ye Varzesh-e Bāstānī-ye Zurkhāneh (Motāle'eh-ye Moredī-ye Varzeshkārān-e Shahr-e Kermān). Faslname-ye Rāhbardī Ejtemā'ī Farhangī, 9, 109-133.
16. Bahār, Mehrdād. (1390). "Āyīn-e Mehr va Varzesh-e Bāstānī"; Nashrie-ye Hāfez, Shomāre-ye 88, 12-16.
17. Pīr-Morādīān, Mostafā, Haqqī, Parvīn. (1400). Pahlevānān-e Irān az Dīrūz tā Emrūz. Nashrie-ye Modīriyat-e Varzeshī, 13(4), 1357-1379.
<https://doi.org/10.22059/jsm.2020.305904.2518>
18. Jafarrī, 'Alī-Akbar, Qāsemī, Na'imeh. (1392). Varzesh-e Bāstānī-ye Zurkhāneh va Jāygāh-e Ān dar Trawīj-e Tashī'. Faslname-ye Elmi-ye Shī'a Shenāsī, 11(42), 139-168.
19. Jafarrī, 'Alī-Akbar; va Qāsemī, Na'imeh (1392). Varzesh-e Bāstānī-ye Zurkhāneh va Jāygāh-e Ān dar Trawīj-e Tashī'. Shī'a Shenāsī, 42(11), 168-139.
20. Ḥayātī, Hāmed, Chaharlang, 'Alī, 'Āmerī, Mohammad Amīn. (1399). Akhlāq va Memārī-ye Zurkhāneh'ā'ī. Akhlāq dar 'Olūm va Fanāvarī; 15:1-5.
21. Ḥeydarī, 'Alī, Dowlatshāh, Nāser (1391). "Jelveh-hā-ye Taṣawwuf, Fettūt va Tashī' dar Varzesh-e Bāstānī va Zurkhāneh'ī-ye Irān"; Do-Faslname-ye Pazhohesh dar Modīriyat-e Varzesh va Raftar-e Harakatī, Sāl-e Dovvom, Shomāre-ye 4, 57-72.
22. Shāhī, Shāyān, Irānjād-Pārīzī, 'Alī va Nasirī, Amīr-Rezā. (1403). Sīr-e Tārīkhī-ye Zurkhāneh'ī, Sevomin Hamāyesh-e Beyn-al-Melalī-ye 'Olūm-e Varzeshī, Tarbiyat-e Badanī va Modīriyat-e Rāhbordī dar Varzesh, Hamadān.
<https://civilica.com/doc/2046922>
23. Ṣadīq, Mostafā (1343). "Zurkhāneh va Varzesh-e Bāstānī"; Farhang va Zendege, Dowre-ye Sevvom, Shomāre-ye 26, 6-15.
24. 'Asgarī, Zahra, 'Ādalfar, Bāqer-'Alī (1401). Bāzkhāndī-ye Sīr-e Sākhtārī – Ma'nāwī-ye Zurkhāneh-hā az Ostūreh tā Taṣawwuf. Pazhohesh-hā-ye Mian-Rasandeh-'ī Zaban va Adabiyāt-e Fārsī, 1(1), 27-43. <https://doi.org/10.30479/irpli.2021.15795.1035>
25. Gūdarzī, Mahmoud (1383). "Sīr-e Tatvor-e Varzesh-e Bāstānī va Zurkhāneh'ī dar Irān"; Nashrie-ye Farhang, Shomāre-22, 149-170.
26. Mas'ūdī, Zahreh, Mūmenī, Kūrush, Bomāniān, Mohammad-Rezā (1398). Tabyīn-e Rabete-ye Namādhā va Neshāneh-hā-ye Memārī-ye Zurkhāneh bā Ādāb va Raftar-e Pahlevānī. Memārī va Shahr-Sāzī-ye Ārmān Shahr, 12(28), 91-102.
<https://doi.org/10.22034/aaud.2019.97362>
27. Montazer-al-Qā'em, Asghar; va Haqqī, Parvīn (1397). Mafāhīm-e Mellī va Mazhabī Sāzande-ye Maktab-e Tarbiyatī-ye Zurkhāneh. Faslname-ye Farhang-e Mardom-e Irān, 52: 71-97.
28. Mūtāb, Aḥmad, Javānī, Vajiheh, Vadād Hīr, Abū-'Alī (1400). Az Maktab tā Farhang: Tabyīn-e Farāyand-e Ejtemā'ī-Farhangī-ye 'Iyārī va Shakl-gīrī-ye Varzesh-e



Zurkhāneh'ī dar Irān. Jāme'eh-shenāsī-ye Farhang va Honar, 3(4), 41-60. doi:

<https://doi.org/10.34785/J016.2022.003>

29. Varmoqānī, Hosna (1400). Bāzpazhohī dar Angīze va Shive-ye Ejṛā-ye Ādāb-e Ejtemā'ī-ye Zurkhāneh bā Tafāhhos dar Tanāsub-e Kārkard va Sākhtār-e Kāledbī-ye Fazā'ī. Pazhohesh-hā-ye Ensān-shenāsī-ye Irān, 11(2), 227-252.

<https://doi.org/10.22059/ijar.2022.342408.459748>

English / International Articles

30. Azizi, B., et al. (2020). The Study of Chivalry Philosophy, Islamic Generosity and Moral Teachings in Athletic and Gymnasium Sports in Zurkhāneh. Sport, Ethics and Philosophy, 1-10.
31. Pashaie, S., Jabari, B., Gul, M. (2024). Zoorkhāneh and Legacy of Pahlavānī: A Symbol of Civilization, History and Rich Culture of Iran, The 2nd International Congress of Exercise and Sports Sciences (UESBK-2024), Ondokuz Mayıs University, Samsun, Türkiye. <https://www.uesbk.org/>
32. Khezrī, S. A. R. and Soleymānī, M. (2024). The Formation of Iranian Maritime Culture in the Sasanian-Islamic Transition: A Study of 'Active Adaptation' in Nutrition and Medicine. Iranian History of Culture, 1(1), 217-234. doi: 10.22034/ihc.2025.68736.1083 [In Persian].
33. Karīmī, J. and Golmohammadi, H. (2024). Localization of Opening and Closing Ceremonies in Sports Events: From Historical Traditions to Modern Perspectives in Iran. Iranian History of Culture, 1(1), 199-216. doi: 10.22034/ihc.2025.65470.1031 [In Persian].